

## غروب خورشید

### زینب کریمیان<sup>۱</sup>

زنده‌یاد خورشید فیض‌الله بویج عبدالله‌زاده تاریخ‌نگار علم اهل تاجیکستان در سحرگاه شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۱ در سن ۷۲ سالگی درگذشت. او که در شهر خجند تاجیکستان در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمده بود، تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده فیزیک و ریاضی مؤسسه آموزشی لنین‌آباد (که اکنون باباجان غفورف خوانده می‌شود) آغاز کرد. سپس برای تکمیل پژوهش‌های علمی خود در سال‌های ۱۹۷۰م تا ۱۹۹۱م در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان مشغول به کار شد که در این دوره مدارج مختلف علمی را طی کرد و در سال ۱۹۸۲م از رساله کارشناسی ارشد و در سال ۱۹۹۰م از رساله دکتری خود با عنوان «تاریخ نجوم در خراسان و ماوراءالنهر» دفاع کرد. خورشید عبدالله‌زاده در سال‌های ۱۹۹۶م تا ۲۰۰۶م سرپرستی شاخه علمی-پژوهشی یونسکو را در دانشگاه باباجان غفورف عهده‌دار بود و در سال‌های ۱۹۹۸م تا ۲۰۰۸م مدیریت بخش آموزش دانشکده فیزیک و فناوری بر عهده او بود. در سال‌های پایانی عمر نیز در همان دانشکده تدریس می‌کرد. یکی از مهم‌ترین آثار خورشید عبدالله‌زاده کتابی درباره ابومحمود خجندی است که در سال ۱۹۸۶م در شهر دوشنبه به زبان روسی منتشر شد. این کتاب در سال ۱۳۹۱ با نام خجندی‌نامه توسط مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب چاپ شده است. از دیگر تألیفات او کتابی به نام کوشیار گیلانی در سال ۱۹۹۰م است که انتشار و ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۸۸ش سبب شد در دانشگاه گیلان لوح شهروند افتخاری را دریافت کند. تاریخ ریاضیات در آسیای میانه و شرق نزدیک (۱۹۹۹م)، ابومحمود خجندی و تاریخ نجوم خلق تاجیک (۲۰۰۵م)، فیزیک در آثار دانشمندان آسیای مرکزی و شرق نزدیک (۲۰۰۹م) و دستاوردهای فنی و صنعتی خلق‌های آسیای میانه (به روسی، ۲۰۱۱م) از دیگر آثار اویند. او ده‌ها مقاله در مجامع یا نشریات علمی عرضه کرده است. خورشید عبدالله‌زاده چند ماه پیش از فوتش در شهریور ۱۳۹۱ در همایش تاریخ ریاضیات که در دانشگاه بناب برگزار شده بود، همچنین پیش از آن در اسفند ۱۳۹۰ در همایش میراث علمی غیاث‌الدین جمشید کاشانی نیز شرکت جسته بود که از این فرصت استفاده کردیم و مصاحبه‌ای با ایشان ترتیب دادیم.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد تاریخ علم، پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران

لطفاً ابتدا خودتان را معرفی کنید و درباره چگونگی آشناییتان با تاریخ علم دوره اسلامی توضیح دهید.

من خورشید عبدالله زاده از شهر خجند باستانی در تاجیکستان هستم. سال تولد من ۱۹۴۰م است و الان ۷۲ سال سن دارم. قریب به ۴۰ سال است که در حوزه تاریخ علم مشغول هستم. تحصیلات دانشگاهی



خورشید عبدالله زاده زیر لوح یادبودی به نام پدرش که بر دیوار خانه پدری اش نصب شده است.

خود را در دانشکده طبیعیات دانشگاه خجند آغاز کردم. شادروان پدرم الفبای فارسی را می دانستند و ما کودکان نیز تا اندازه ای با الفبای فارسی آشنا بودیم. در واقع زبان قدیمی مردم تاجیکستان فارسی بوده و ما خود را از نژاد ایرانیان می دانیم. همین سبب شد که پس از اتمام دوره دانشگاه، تا چند سال معلم مکتب [= مدرسه] باشم. سپس مرا به دانشگاه دعوت کردند. شوق و ذوقی به تاریخ طبیعیات و علوم دقیق مثل ریاضیات، فیزیک و ستاره شناسی داشتم و تا اندازه ای به صورت خودآموز شروع به مطالعه کردم. در دوشنبه یک پژوهشگاه تحقیقاتی به نام مؤسسه فیزیک ستاره شناسی داریم. آنجا فعالیت های خود را ادامه دادم. حدود ۲۲ سال در همان مؤسسه مشغول به کار بودم و به کشورهای زیادی سفر کردم. در مسکو با بوریس روزنفلد<sup>۲</sup> -

مورخ علم - آشنا شدم که به من توصیه کرد در تاریخ نجوم کار کنم. بنابر همین توصیه با ادبیات این شاخه آشنا شدم و با رفت و آمدها و روابط علمی طی چند سال، آقای روزنفلد به من گفتند که باید نامزد [دکتری] شوی و به درجه علمی بالاتری نائل گردی. وقتی به دوشنبه برگشتم، ریاست آکادمی علوم تاجیکستان بر عهده دانشمند و فیلسوف، محمد قاسمی، بود. ایشان به من گفتند که پدرم (فیض الله عبدالله زاده) را به عنوان یکی از زبان شناسان معروف تاجیکستان می شناختند و از من خواستند که کار پدرم را ادامه دهم و به تاریخ علم مشغول شوم. من خواهش ایشان را پذیرفتم و در طی ۲۰ سال کارهای تحقیقاتی و علمی را ادامه دادم و موفق به کسب درجه دکتری در شاخه تاریخ علوم شدم. رشته تاریخ علم یک رشته زحمت طلبی است. پژوهشگر تاریخ علم دوره اسلامی باید علاوه بر آن که در یکی از شاخه های علم متخصص به معنای تام آن باشد، خاورشناس و مورخ آن زمانه نیز باشد. مثلاً دوره عمر خیام یا قطب الدین شیرازی را خوب بشناسد و نسخ خطی این عالمان را تا حد امکان مطالعه کند و بتواند

<sup>2</sup> B. A. Rosenfeld

یک خلاصه علمی از آن برآورد که البته این کاری پرزحمت است. در تاجیکستان هم کسانی که با تاریخ علم سر و کار دارند تعدادشان انگشت‌شمار است. بنابراین من خیلی خوشحالم که طی ده سال اخیر با ایران رابطه و رفت و آمد داشتم.

سال ۱۹۹۰م کتابی با نام کوشیار گیلانی به زبان روسی تألیف کردم؛ چرا که تاجیکستان جزئی از اتحاد جماهیرشوروی بود و زبان دوم ما روسی بود. سال‌ها گذشت تا اینکه آقای باقری با این کتاب آشنا



شد و طی سفری که به ازبکستان و سپس تاجیکستان و شهر خجند داشتند، یکدیگر را از نزدیک دیدیم و از همان زمان با هم همکاری و رفت و آمد داشته‌ایم. از اینکه گاهی همایش‌هایی برگزار می‌شود و مرا دعوت می‌کنند، خیلی خوشحال هستم.

چه چیزی سبب شد که شما با یکی از بزرگترین ریاضی‌دانان دوره اسلامی به نام کوشیار گیلانی آشنا شدید و تصمیم گرفتید درباره او کتابی تألیف کنید؟

[زیرا] کوشیار گیلانی و ابومحمود خجندی با یکدیگر در مرکزی علمی به نام شهر ری همکار بودند (خوشبختانه ابوریحان بیرونی نیز شاهدهی بر این بحث‌های علمی بوده است). تصمیم گرفتم کتابی تألیف کنم و بحث‌های علمی

میان این دو را بنویسم. چرا که در نتیجه هر بحث علمی یک حقیقت علمی پیدا می‌شود....

تقریباً سه ماه پیش که داشتم درباره ابومحمود خجندی تحقیق می‌کردم، به نسخه‌ای خطی از خجندی که در یکی از کتابخانه‌های استانبول نگهداری می‌شود، دسترسی پیدا کردم. اکنون همان نسخه ابومحمود خجندی را می‌خواهم از عربی به فارسی و روسی یا انگلیسی برگردانم. البته اگر تقدیر باشد و عمری باقی بماند در تلاش هستم که آن را تا دو سال آینده انجام دهم. بیشتر تمایل دارم که یکی از دانشجویان ایرانی که در حوزه تاریخ علم مشغول است، در برگرداندن زبان عربی به فارسی کمک کند چون ایرانیان نثر فارسی بهتری دارند و باید بگویم که این کار هر کسی نیست زیرا شخص باید اصطلاحات ریاضی و نجومی آن دوره را خوب بشناسد.<sup>۳</sup>

سال گذشته در باکو در همایشی که به مناسبت هشتصد و دهمین سالگرد نصیرالدین طوسی برگزار شد [شرکت کردم و] مقاله‌ای درباره رصدخانه مراغه فرستادم که در مجموعه مقالات این همایش به چاپ رسید.

<sup>۳</sup> اکنون آقای ابوالفضل فرض‌پور ماچانی، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علم در پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، روی این رساله خجندی کار می‌کند.

## آشنایی شما با زبان عربی به چه صورت است؟

زبان عربی را کمتر از زبان فارسی می‌دانم. اما اگر نسخه‌ای خطی در حوزه ریاضیات یا نجوم باشد، آن را متوجه می‌شوم و تا اندازه‌ای قادر به ترجمه و برگردان آن نیز هستم. اما ترجیح می‌دهم کسی که در برگرداندن از زبان عربی تبحر بیشتری دارد این کار را انجام دهد تا خطایی به آن وارد نشود.

## در کشورهای آسیای میانه به خصوص تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان وضعیت تاریخ علم (با تأکید بر دوره اسلامی) به چه صورتی است؟

در تاجیکستان، در دوشنبه، یکی از دوستان من به نام عبدالحی کاملی درباره آثار ابوعلی سینا و رازی کار می‌کند و تا جایی که بنده اطلاع دارم، در ازبکستان اشرف احمدف که اکنون سنش از ۷۵ سال گذشته در مرکز علمی سمرقند فعالیت می‌کند. اتفاقاً سال‌های زیادی ما با هم بحث داشتیم که یکی از ابزارهای رصدخانه سمرقند ربع است یا سدس. نظر من این بود که این وسیله یک سدس است که پیش از آن ابومحمود خجندی در شهر ری ساخته بود که از نظر بزرگی و دقت، تمام منجمان آن دوره را در حیرت



ابومحمود خجندی و تاریخ نجوم  
خلق تاجیک، خجند، ۲۰۰۵.

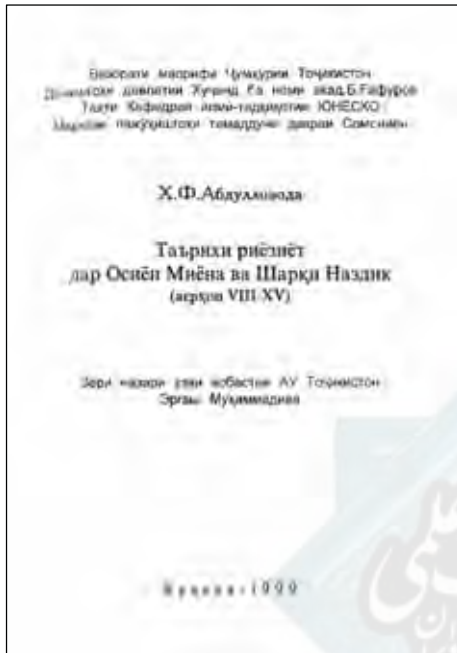
فرو برده بود. در نهایت گفته‌های من به واسطه نامه‌های جمشید کاشانی تصدیق گردید.

در واقع بار اول ابومحمود خجندی در شهر ری این آلت را طراحی کرد. پس از رصدخانه شهر ری این ابزار در مراغه ساخته شد. بعد از مراغه در قرن پانزدهم میلادی در رصدخانه سمرقند از این ابزار نمونه‌ای ساخته شد و در قرن هفدهم میلادی این آلت را در رصدخانه جیپور هندوستان ساختند. بنابراین از قرن دهم تا آخر قرن هفدهم میلادی به مدت هشتصد سال، آلت ساخته شده ابومحمود خجندی به عنوان یکی از دقیق‌ترین آلات رصد جرم‌های سماوی به کار می‌رفت. من باز هم خیلی خوشحالم که ابومحمود خجندی با کوشیار گیلانی در شهر ری دوست و همکار بودند و از دانشمندان برجسته‌ای بودند که شاگردان زیادی هم داشتند و پس از هزار سال خورشید خجندی با محمد گیلانی به کمک یکدیگر در تلاش هستند که نام گذشتگان خود را زنده کنند و باید این نکته را در نظر داشته باشیم که ملت‌های ایران و افغانستان و تاجیکستان همه یک ملت هستیم و همه از قدیم هم‌دین و هم‌زبان و هم‌فرهنگ هستیم.



## در تاجیکستان هم همایش‌هایی درباره تاریخ علم دوره اسلامی برگزار شده است؟

بله در سال ۲۰۱۰م در ماه اکتبر در خجند درباره تأثیر میراث علمی ابوحمود خجندی برای پیشرفت علوم دقیق همایشی بین‌المللی برگزار شد. در همان سال ۲۰۱۰م در تاجیکستان اعلام کرده بودند که



سال ۲۰۱۰م، سال معارف و پیشرفت تکنولوژی است. در این همایش از ایران از آقای محمد باقری و چند نفر دیگر [را] دعوت کردیم تا در این همایش شرکت کنند. علاوه بر آن، شرکت‌کنندگانی از آلمان، روسیه و ... داشتیم. سعی کردیم از طریق این همایش ارتباطات بیشتری داشته باشیم. پیش از آن در سال ۱۹۷۳م در دوشنبه همایشی به مناسبت هزاره ابوریحان بیرونی برگزار کردیم. در سال ۱۹۸۰م نیز در دوشنبه همایشی درباره ابوعلی سینا برگزار کردیم. تا جایی که توانایی داشتیم همایش‌ها و کنفرانس‌هایی برگزار کرده‌ایم.

تا جایی که می‌دانیم در دوره خاصی روس‌ها در زمینه تاریخ علم دوره اسلامی بسیار فعال بودند. اگر ممکن است درباره فعالیت‌های تاریخ علمی کشور روسیه توضیح دهید.

تاریخ ریاضیات در آسیای میانه و شرق نزدیک، قرن ۸-۱۵، خجند، ۱۹۹۹.

در دوره‌ای در تاشکند از بکستان، سه چهار نفر

متخصصان بنامی در حوزه تاریخ علم مشغول به کار بودند. پاول بولگاکف<sup>۴</sup>، اشرف احمدف و [خانم گالینا] ماتویفسکایا<sup>۵</sup> ریاضی‌دان با هم همکاری داشتند و چند کتاب بیرونی را هم به زبان روسی ترجمه کردند و شرح‌هایی نوشتند و حدود شش یا هفت جلد از آثار بیرونی بین سال‌های ۱۹۷۰م تا حدود ۲۰۰۳م در تاشکند منتشر شد. بوریس روزنفلد که سال‌ها در روسیه فعالیت داشت، پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به آمریکا رفت. یکی از شاگردان روزنفلد به نام [خانم میریام] روزانسکایا<sup>۶</sup> اگرچه سنش از هشتاد گذشته است، اما همچنان فعالیت‌هایی دارد و بنده با او در تماس هستم. ماتویفسکایا که به او اشاره کردم، در حال حاضر در شهر اورنبورگ روسیه زندگی می‌کند. او نیز سنش از هشتاد متجاوز شده است اما همچنان تا حد توانایی با تاریخ علم سر و کار دارد. آدولف یوشکیویچ<sup>۷</sup>، استاد روزنفلد، خود یک ریاضی‌دان بود که با تاریخ علم نیز سر و کار داشت و اگر اشتباه نکنم کتاب مفتاح الحساب جمشید کاشانی را به

<sup>4</sup> Pavel Bulgakov

<sup>5</sup> G. P. Matviyevskaya

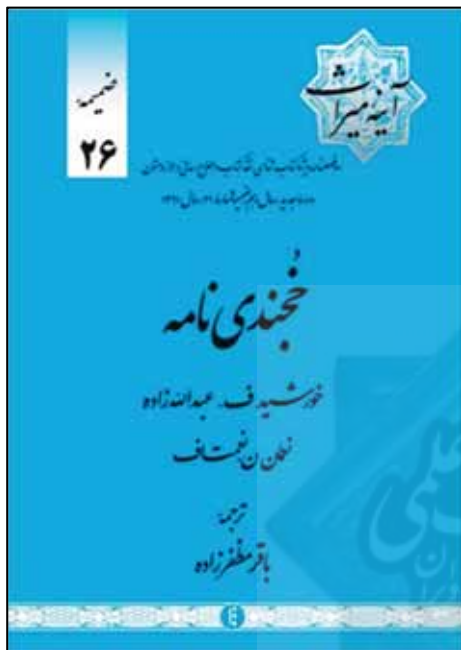
<sup>6</sup> M. M. Rozhanskaya

<sup>7</sup> Adolph P. Yushkevich

زبان روسی ترجمه و شرح کرد.

### در حال حاضر نیز فعالیت‌هایی در حوزه تاریخ علم در کشور روسیه دنبال می‌شود؟

تا حد توانایی فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. یوشکیویچ و روزنفلد که در قید حیات نیستند. دیگران که در قید حیات هستند، ما تا حد امکان با یکدیگر در ارتباط هستیم. متأسفانه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر



شوروی این علاقه‌ها تا اندازه‌ای کاهش پیدا کرد، رفت و آمدها کمتر شد و این باعث شد فعالیت‌های تاریخ علمی رو به خاموشی رود. خوشبختانه پس از گذشت بیست سال از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ... سعی کردیم قدرت و توانایی گذشته‌مان را مجدد به کمک پژوهش‌های تاریخ علم احیا کنیم.

ظاهراً در تاجیکستان نیز نسخه‌های خطی از دانشمندان دوره اسلامی موجود است. اگر ممکن است درباره این نسخه‌ها توضیح دهید.

خوشبختانه در تاجیکستان در سال‌های اخیر به این مسئله اهمیت زیادی داده‌اند. اتفاقاً سال گذشته کتابخانه‌ای ملی به نام فردوسی در دوشنبه تأسیس شد که در آن قسمتی را به نسخه‌های خطی اختصاص داده‌اند. علاوه بر آن، خزینه‌ای متعلق به

نسخ خطی در پژوهشگاه خاورشناسی دوشنبه موجود است. در شهر خجند نیز کتابخانه‌ای به نام تاشخواجه وجود دارد و در آن بخشی را برای نگهداری نسخه‌های خطی در نظر گرفته‌اند. با این حال همچنان نسخه‌های خطی در دست مردم نیز موجود است و متأسفانه نوه یا نتیجه صاحبان اصلی این نسخه‌ها، الفبای فارسی را به درستی نمی‌شناسند. تا حد امکان دولت این نسخه‌های خطی را خریداری کرده و در کتابخانه‌ها همچون گوه‌ری نگهداری می‌کنند و علاقه‌مندان و پژوهشگران تاریخ علم دوره اسلامی می‌توانند از طریق اینترنت این نسخه‌ها را سفارش دهند.

در همایش بزرگداشت غیاث‌الدین جمشید کاشانی که پیش رو داریم، عنوان مقاله شما «نامه‌های جمشید کاشانی، سرچشمه نادری در تاریخ علم» است. علت خاصی سبب شد مقاله و موضوع سخنرانی‌تان را درباره این موضوع انتخاب کنید؟

در حقیقت زمانی که محمد باقری نامه اول کاشانی را پیدا کرد (نامه‌ای که پیش از آن ما از کاشانی می‌شناختیم، نامه دوم کاشانی به پدرش بود)، من خیلی خوشحال شدم از اینکه نامه اول در ایران پیدا شده است. کاشانی خصلت‌های عجیب انسانی داشته است. قاعدتاً اگر من به خواهرم یا پدرم نامه‌ای



بنویسم، جویای سلامتی‌شان می‌شوم و درباره سلامتی خودم هم به آنها می‌گویم. اگر ما این نامه‌ها را به درستی مطالعه کنیم، شاید مضمون علمی بیشتری دریافت کنیم. در شرق ممالک اسلامی، نامه نوشتن یک دانشمند به دانشمند دیگر مرسوم بود. مضمون این نامه‌ها بحث و تحقیق درباره آثار آن دانشمند یا اندیشه یک دانشمند نسبت به کشفیات دانشمند دیگر بود. جمشید کاشانی حیات علمی مرکز علمی سمرقند را اشاعه داده است. اینکه مردم چه می‌کردند، چه کشفیاتی صورت گرفته است، چه کسی چه قدرت‌ها و توانایی‌هایی دارد و ... هر انسانی یک سری ویژگی‌های خاصی دارد. در مورد دانش جمشید کاشانی می‌دانیم که قاضی‌زاده رومی پیش از آنکه به سمرقند برسد طبق گفته خودش در شهرکاشان با جمشید کاشانی آشنا شده که دکانی داشته و آلات رصد می‌فروخته است. قاضی‌زاده رومی از او می‌خواهد تا اسطرلابی به او بفروشد. کاشانی به او می‌گوید من اسطرلاب را به کسی می‌فروشم که می‌داند میزان جیب یک درجه چقدر است! قاضی‌زاده از همینجا پی می‌برد که کاشانی، متخصصی در زمینه ریاضیات و نجوم است و این بهانه‌ای می‌شود که وقتی الغ بیگ برای رفع مشکل دقت آلات رصد از قاضی‌زاده چاره‌جویی می‌کند، قاضی‌زاده رومی به او پاسخ می‌دهد که در کاشان عالمی را می‌شناسد که قد او به اندازه پنج وجب است اما دانشش به اندازه زمین تا آسمان است! بنابراین به فرمان میرزا الغ بیگ، کاشانی به شهر سمرقند فراخوانده شد. کاشانی با دیدن یکی از آلات رصد می‌گوید: این ابزار است که فلان عالم پانصد سال پیش در بغداد ساخته بود و نمی‌تواند دقت زیادی داشته باشد؛ بنابراین بهتر است به جای آن سدس فخری ساخته ابومحمود خجندی را بنا کنیم. خوشبختانه این سدس در یک خندق زیرزمینی در رصدخانه سمرقند به جای مانده است که بنده چندین بار از آنجا دیدن کرده‌ام.

### این چندمین باری است که به ایران تشریف آورده‌اید؟ از چه شهرهایی دیدن کرده‌اید؟

این دفعه سوم است. اولین بار من در جشن پانصدسالگی نظام‌الدین بیرجندی (در سال ۲۰۰۲م) به ایران به شهر مشهد آمدم. از آنجا به نیشابور و بیرجند رفتم که با پژوهشگران زیادی آشنا شدم. این در زندگی من نقطه عطفی برای احیا کردن تحقیقاتم بود. علاوه بر مشهد و تهران از نیشابور، بیرجند، رشت و لاهیجان دیدن کرده‌ام. ان شاءالله در این سفر نیز از کاشان و اصفهان دیدن خواهیم کرد. در این سفرها از مناطق تاریخی زیادی بازدید داشته‌ام. من به هر جا که سفر می‌کنم، عکس‌های زیادی می‌گیرم و پس از بازگشت از سفر درباره تجربیات سفر می‌نویسم تا در آینده برای نسل بعد قابل استفاده باشد.

یادش گرامی باد.